

تحول و عطف و خطابه

در عصر قاجار

دکتر سیدحسین امین

عضو هیئت علمی دانشگاه گلاسکو کالدونیا، انگلستان

مدخل

سرمداران، رسمی شدن مذهب تشیع در عصر صفوی، پیروزی انقلاب مشروطیت و بالاخره انقلاب اسلامی ایفا کرده است، قابل انکار نیست. همزمان با تأثیر و عطف در مردم در مقطع این انقلابها، البته در محتوا و مضمون منبر نیز، تحولاتی روی داده است. و این، نشانه آن است که خواسته‌های مردمی، در مضامین منبر اثر کرده است. این تأثیر و تأثر را از مطالعه تاریخ مشروطیت، می‌توان بخوبی دریافت.

نقش و عطف و خطابه، و به تعبیر دیگر تبلیغ دینی به وسیله منبر، به عنوان قویترین رسانه عمومی و وسیله ارتباط جمعی «Mass Media» در جوامع اسلامی و تأثیر و تأثر طبقه واعظان و اهل منبر در محیط فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، از مقوله‌هایی است که هنوز به طور واقعگرایانه و آفاقی «Objective» تجزیه و تحلیل نشده است. از جهت سیاسی، در تاریخ ایران نقشی که عطف در نهضت‌ها و انقلابهای مردمی همچون: قیام ابومسلم، فاطمیان،

المكرم و ماه محرم الحرام موعظه می فرمود شیخ المشایخ... المولی الشیخ جعفر المولود فی التستر و النزیل بمشهد خیر البشر بعد السید الخاتم... و حقیر اهتمام تمام داشت بر حضور مجلس موعظه آن خلدآشیان... و به این واسطه به مجرد حضور و استماع و اتعاض کفایت نموده، بلکه در هر جا و هر حال، قلم و حبر و قرطاس با خود داشته متابعه لمنهاج السادات فی الحفظ بالکتابه... نگذاشته که از مواعظ بالغه... از من و اخوان مؤمنین فوت شود... چند مجلسی از سواد و ضبط مجلس، نقل بیاض نمودم» [شوشتری، فوائدالمشاهد و نتائج المقاصد، ۱].

جالب آنکه این کتاب بحدی مطلوب طابع خوانندگان قبل از مشروطیت قرار گرفت، که تا ۱۳۱۸ هـ.ق چهار بار در چهار مطبوعه مختلف به چاپ رسید.

۲. کتابهایی که مؤلفان، آنها را به عنوان نمونه و سرمشق سخنرانی یا نسخه سخنرانیهای قابل تکرار تنظیم کرده اند؛ همچون:

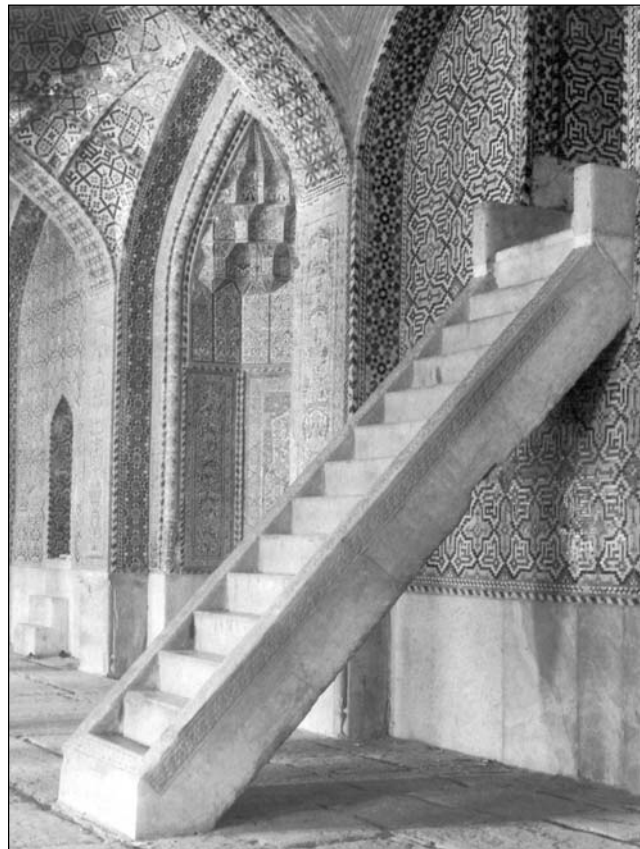
الف: عنوان الکلام: تألیف آخوند ملا محمد باقر بن آخوند ملا محمد جعفر فشارکی اصفهانی (د. ۱۳۱۴ هـ.ق)

ب: اینس العبد و مونس اللحد: تألیف ملاصدرالدین بن آخوند ملامحمد حسن قزوینی، معرف به ملاصدرا قزوینی

ج: مجالس الواعظین: تألیف سیداسماعیل حسینی اردکانی (د. ۱۳۱۷ هـ.ق)

د: مجالس نظامیه: تألیف میرزا رفیع نظام العلماء تبریزی

ه: حزن المؤمنین: آن را مؤلفی محدث و سخنوری شاعر، به صورت مجالس منبری برای روضه خوانان عصر قاجار نوشته است.



مسجد وکیل، شیراز



آیت الله میرزا رحیم ارباب اصفهانی

مقاله حاضر سعی دارد اختلافات ماهوی و کاربرد عملی تبلیغ دینی، موعظت و خطابت منبر را در قبل از مشروطیت با بعد از آن مقایسه کند؛ بویژه تحول محتوای منبر را بعد از ناصرالدین شاه (د. ۱۳۱۳ هـ.ق) شناسایی کند. لذا، ما برای مطالعه این بحث، به منابع دست اول چاپی و خطی قبل از مشروطیت استناد کرده ایم.

منابع تحقیق

یکی از منابع مهم برای این تحقیق، شرح حال علما، خطبا و وعظ در دوره قاجار است که در لابه لای کتب تاریخ و رجال دیده می شود. منبع بسیار باارزش دیگری برای شناخت کم و کیف فرهنگی جامعه شیعی ایران عموماً، و تحول وعظ و خطابه در عصر قاجار خصوصاً، کتابهای چاپی و خطی متعددی است که به عنوان مجموعه سخنرانیهای واعظان، در عصر قاجار تهیه و تنظیم شده است. نظر به اینکه از منبع تحقیق اخیر - تا جایی که ما اطلاع داریم - تاکنون در مطالعات تاریخی و جامعه شناسی در ایران و اروپا استفاده نشده، مقاله حاضر با تأکید و تکیه مخصوص بر این متون نگاشته شده است.

تقسیم بندی متون وعظ و خطابه از نظر شیوه نگارش

متون چاپی و خطی عصر قاجار که شامل سخنرانیهای واعظ و خطبای آن عهد است، و حاوی بهترین منابع تحقیقاتی برای شناخت جنبه های مختلف: فرهنگی، دینی، اجتماعی، جامعه شناسی، سیاسی و حتی اقتصادی است، بر سه دسته اند:

۱. کتابهایی که مجموعه سخنرانیهای مختلف یک سخنران معین، در یک دوره معین است. به طور مثال، مستمعی به نام محمد بن علی اشرف طالقانی، سخنرانیها و منابر شیخ جعفر شوشتری (د. ۱۳۰۳ هـ.ق) را در روزهای جمعه ماه رمضان و ماه محرم شخصاً شنیده، آنها را یادداشت نموده، و در کتابی به نام فوائدالمشاهد و نتائج المقاصد جمع و منتشر کرده است. طالقانی مذکور در مقدمه این کتاب می نویسد: «در اواخر ماهه ثالث عشر از هجرت... چون در ایام جمعاعات و شهرالله الاکبرالاعظم رمضان

۲. دسته‌ای که بیشتر جنبه اخلاقی، تهذیب اخلاق، موعظه و امر به معروف و نهی از منکر دارد.
۳. دسته‌ای که بیشتر جنبه نقالی، قصه‌گزاری، قوالی و قاصی دارد. از این جهت، مرز بین اقوال مستند مبتنی بر تاریخ، حدیث و روایت با داستانهای عامیانه و تخیلات افسانه‌پردازی از بین می‌رود، و تعزیه و شبیه خوانی با روضه خوانی از جهت مفهوم و محتوا ادغام می‌شود.
۴. دسته‌ای که بیشتر جنبه حکمی و معقولی «Intellectualism» دارد؛ از قبیل کتاب و سینه تألیف سیدابوالقاسم دهکردی، و منابع الحکم تألیف محمد علی صفوت تبریزی. نیز، از همین دسته است آثار منظومی همچون: زبده الاسرار اثر



شبستان مسجد و مدرسه عالی شهید مطهری، تهران

حاج میرزا حسن صفی علیشاه یا گنجینه الاسرار عمان سامانی، که سعی دارد از وقایع کربلا، حماسه‌ای عرفانی ارائه دهد.

جمعی از واعظان عصر قاجار

در عصر ناصری شمار زیادی از واعظ و اهل منبر در سرتاسر ایران، به کار و عظ و خطابه مشغول بودند. برای نمونه، نام برخی از افرادی را که اعتمادالسلطنه (د. ۱۳۱۳ ه. ق)، وزیر انطباعات ناصرالدین شاه، نام ایشان را در کتاب المآثر والآثار ذکر کرده است، ثبت می‌شود.

۱. حاجی میرزا احمد اصفهانی: «در شغل مرثیه سرایی و روضه خوانی، به مقامی سامی رسیده و صیت صورتش، از تهران به همه جای ایران کشیده».

۲. حاج ملااحمد واعظ خوانساری: «مذکری بود طلیق اللسان در علوم شرعیه، از فقه و اصول و حدیث و تفسیر و نظایرها، بهره کاملی داشت».

۳. حاج ملا احمد واعظ خراسانی: «در تتبع و اطلاع،

ارائه مضامین این گونه تألیفات و مقایسه و مقارنه آنها با آنچه در سالهای مشروطیت از واعظان و خطبای عصر مشروطه به دست ما رسیده است، برای شناسایی تأثیر منبر در مردم و تأثیر اهل منبر از احساسات، عقاید و خواستهای مردمی بهترین منبع است. مطالعه «کتب منبری» عصر ناصری نشان می‌دهد که در این دوره، نهاد «Institution» و عظ و خطابه به سنت دیرین، شامل مواعظ اخلاقی و تبلیغ اوامر و نواهی دینی بود، اما محتوای اجتماعی و سیاسی قابل ملاحظه‌ای نداشت. فقط پس از مشروطیت بود، که منبر سیاسی شد و خطبای مشروطه؛ مثل حاج میرزا نصرالله ملک المتکلمین و سیدجمال واعظ، از این نهاد جا افتاده دینی برای پیشبرد مقاصد سیاسی به نفع مشروطیت و علیه استبداد استفاده کردند.

۳. یادداشتی که اهل منبر، خودشان قبل یا بعد از القای خطابه فراهم می‌کردند و سپس آنها را به چاپ می‌رسانیدند. کتابهای ملا اسماعیل واعظ سبزواری از این گونه‌اند؛ که در این مقاله، مفصلاً از احوال و آثار او صحبت خواهد شد. یکی دیگر از بهترین نمونه‌های این نوع کتب، کتاب مجالس المتقین، تألیف ملا محمد تقی برغانی، معروف به شهید ثالث، است. وی این کتاب را در عهد محمدشاه قاجار در ۵۰ جلسه به شیوه عظ و خطابه تألیف کرد؛ چنانکه می‌نویسد: «چنین گوید خادم الشریعة المطهرة محمدتقی بن محمد البرغانی الساکن فی مدینة القزوين: بعد از آنکه به تأییدات الهیه فارغ شدیم از تألیف جلدین عیون الاصول و بیست و چهار مجلد منهج الاجتهاد در فقه استدلالی و شرح شرائع الاسلام... لہذا در ایام شریفه شهر رمضان المبارک به عظ انام اشتغال یافته، از آنکه حضار مجلس هر یومی صنوف مختلفه بودند از طلاب مطالب عرفان و احکام شرعیة اسلام و ایمان و اصول دینیہ و مذہبیہ و فروعیہ و مواعظ شافیہ و اخبار تعزیه سیدالانسن و الجان و مواعظ رادعہ از عصیان بالغہ الی الجنان، لہذا مجلس هر یومی به خواہش جمعی اشارت و اشعارات بر طبق ملتئم آن جمع تقریر می‌شد. و بعد استدعاء این مجالس، در کمال مبالغہ و الحاح گردید، با وجود تفرق حواس و موانع شدیدہ مزاجیہ و عائقات و سانحات دہریہ، پنجاه مجلس به توفیقات الهیہ مرقوم می‌شود. و مسمی نمودم «مجالس المتقین». رجاء از رب رؤف آنکہ، توفیق کرامت فرمودہ، موجب اجر جزیل گرداند فی الدنیا و الاخرہ بمحمد و عترتہ الطاہرین» [برغانی، مجالس المتقین، ۱].

تقسیم بندی منابع تحقیق از جهت محتوی

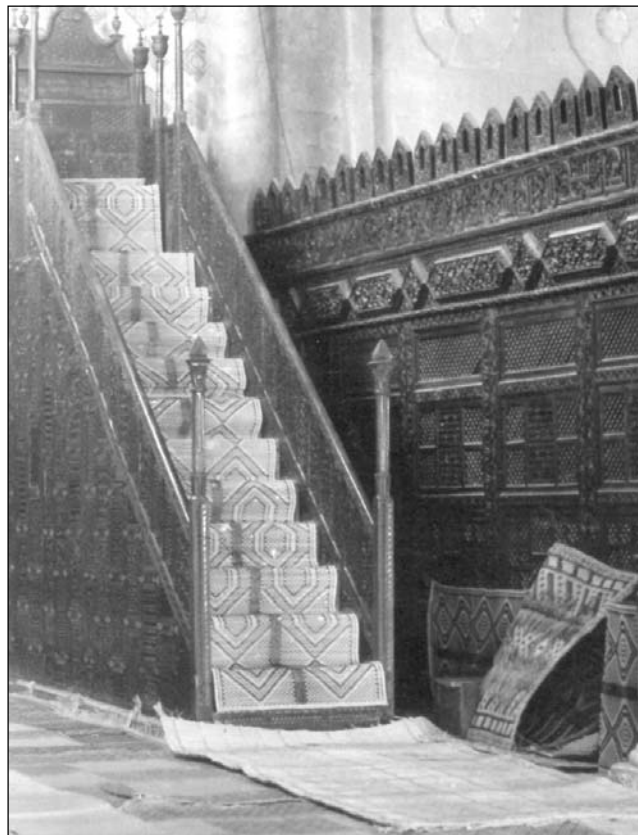
«مجالس» و «مقالات» اهل منبر در عصر قاجار را از جهت مضمون و محتوا، می‌توان به چند دسته مختلف تقسیم کرد:

- دسته‌ای که بیشتر جنبه تاریخی و روایی دارد؛ همچون کتاب اینس العہد ملاصدرا قزوینی. رفتن عبدالمطلب به یمن به دیدن سیف ذی یزن (مجلس ۱۳۲) و سبزشدن درخت از برای خلیل در آتش (مجلس ۵۴)، نمونه‌هایی از مطالب این اثر است.

- اشرف الواعظین ملقب شد.
۳. سید اسماعیل اردکانی (د. ۱۳۱۷ ه. ق)؛ صاحب مجالس الواعظین
 ۴. حاج شیخ جعفر شوشتری (د. ۱۳۰۳ ه. ق)
 ۵. ملا اسماعیل برغانی قزوینی (د. حدود ۱۳۰۷ ه. ق)
 ۶. ملا محمد امین واعظ تهرانی؛ پدر شیخ هادی تهرانی، از شاگردان شیخ انصاری و میرزای بزرگ شیرازی
 ۷. سید علی اکبر اشرف الواعظین شیرازی

روابط واعظان با دولت قاجار

مطالعه منابع موجود، اعم از شرح احوال واعظان عصر قاجار و بازمانده سخنرانیها و مجالس ایشان، نشان می‌دهد که اختلاف طبقه واعظ و خطبا با دولتیان، از مشروطیت شروع شد. نکته قابل توجه این است که شمار قابل ملاحظه‌ای از واعظان از جهت علوم دینی و دانش مذهبی، در سطح بالایی بوده‌اند؛ از قبیل شهید ثالث، صاحب مجالس المتقین، که مجتهدی جامع شرایط فتوا و در فقه و اصول صاحب تألیف بود. همچنانکه صاحب مجمع النورین، ملا اسماعیل سبزواری، حکیمی ممتاز بود؛ به طوری که به گفته اعتمادالسلطنه، بخوبی از عهده تدریس اسفار صدرالمتألهین شیرازی برمی‌آمد. لذا، کمی و کاستی در سطح دانش حوزه‌ای این دسته از واعظان نبود. بلکه بینش و آگاهی ایشان در زمینه‌های اجتماعی و سیاسی، محدود بود.



منبرمسجد جامع قیروان، تونس



مرکز اسلامی لیورپول، انگلستان

- مقامی عالی و در کار منبر استیلائی عظیم داشت.»
۴. سید اسماعیل بهبهانی (د. ۱۲۹۵ ه. ق)؛ پدر مرحوم سیدعبدالله مجتهد بهبهانی، پیشوای مشروطیت (۱۲۵۶ - ۱۳۲۸ ه. ق)
 ۵. ملا اسماعیل واعظ سبزواری (د. ۱۳۱۲ ه. ق)؛ شرح حال او به تفصیل فصیل، در این مقاله ذکر خواهد شد.
 ۶. ملا اسماعیل برغانی قزوینی (د. حدود ۱۳۰۷ ه. ق)
 ۷. ملا آقا دربندی صاحب اسرار الشهادة (د. ۱۲۸۶ ه. ق)؛ اعتمادالسلطنه در حق او می‌نویسد: «در شهرت و اعتبار و نفاذ امر و انتشار صیت و علو قدر، تالی حاج شیخ مرتضی انصاری کماکان می‌شد. در حشمت و شکوه و مهابت و دلیری میان ایناء سلسله علمیه، امتیازی بین داشت. از فرقه بابیه، زخمی بر صورت شریفش بود. بعد از چندین سال مجاورت مشاهد مقدسه عراق، به تهران آمد و مقدم مکرمش به انواع تشریفات و احترامات پذیرفته شد. در ایام عشر اول محرم، هر ساله به پای منبر وی ازدحامی عجیب فراهم می‌گردید. و در روز عاشورا مخصوصاً از وی عادات دیوساران در جوامع مواج از تعزیه‌داران به صلور می‌رسید. بی‌اختیار عمامه بر زمین می‌کوفت و گریبان چاک می‌زد و بر سر خاک می‌ریخت. الغرض در حب اهل البیت رتبه رفیع داشت و در تعصب شریعت مقدسه مقامی منیع» [اعتمادالسلطنه، المآثر و الآثار، ۱۳۹].

اینک، به نام چند نفر دیگر از واعظ مشهور عصر قاجار اشاره می‌شود:

۱. میرزا ابراهیم جوهری (د. ۱۲۵۳ ه. ق)؛ مؤلف طوفان البکاء در مقتل، که به گزارش شیخ احمد بیان اصفهانی، «نزد مصادر دولت و ملت اعتبار تمام پیدا کرد، در آن اوان صیت فضل و کمال او در همه جا منتشر» [بیان اصفهانی، خلد برین، ج ۱، ۲۷۶].
۲. سیدقاسم روضه خوان معروف به بحرالعلوم (د. ۱۳۰۸ ه. ق)؛ جد سادات شیرازی ساکن تهران که بعد از مرگش، پسر او سیدعلی اکبر روضه خوان، از طرف ناصرالدین شاه قاجار به

یکصدسال بعد، در اوج شهرت و معروفیت در ۱۳۱۲ هـ. ق در تهران فوت کرد.

استادان

ملا اسماعیل در حکمت و فلسفه، از شاگردان حکیم حاج ملاهادی سبزواری (د. ۱۲۸۹ هـ. ق) است؛ چنانکه اعتمادالسلطنه در مطلع الشمس نوشته است: «در خدمت فخرالحکماء المتألهین حاج ملاهادی سبزواری، فصول حکمت الهی بدید» [اعتمادالسلطنه، مطلع الشمس].

اعتمادالسلطنه در جای دیگر، در المآثر والآثار می گوید که بعد از حاج ملاهادی سبزواری، «هیچ کس اسفار را بخوبی او تدریس نمی کرد» [اعتمادالسلطنه، المآثر والآثار].

ملا اسماعیل سبزواری، فقه و اصول را به مدت سه سال در کربلا از محضر سیدابراهیم قزوینی (د. ۱۲۹۳ هـ. ق)، صاحب ضوابط الاصول استفاده کرد [اعتمادالسلطنه، مطلع الشمس].

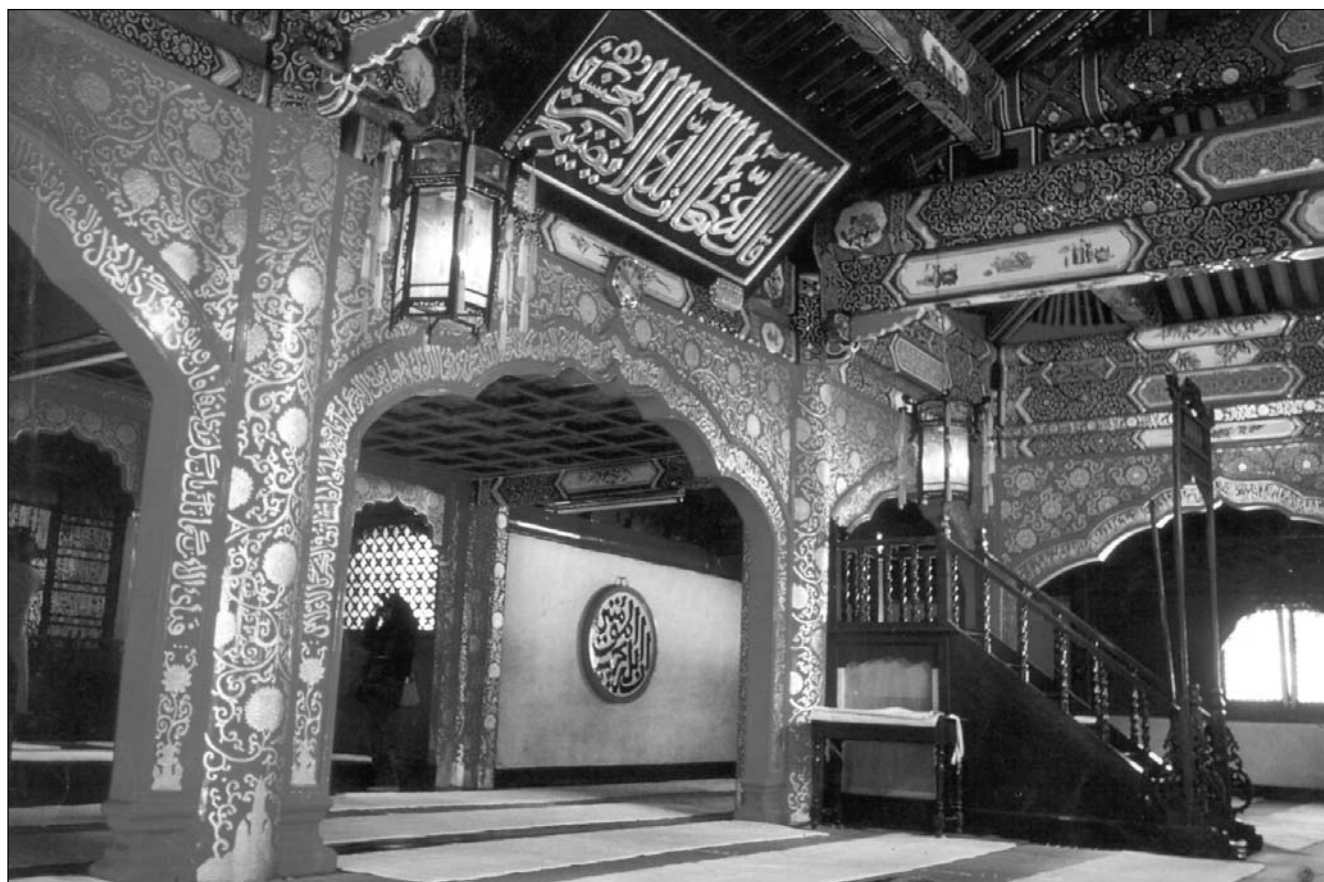
سیر زندگی

ملا اسماعیل سبزواری، پس از چند سال استفاده از محضر حاج ملاهادی سبزواری، سبزواری را ترک نمود. وی در حیات حکیم سبزواری، به اصفهان هجرت کرد، و مدت ۲۰ سال در حوزه علمی اصفهان مشغولیت‌های علمی و عملی داشت.

نظر به اینکه بررسی احوال و گزارش زندگی همگی و عاظ یادشده ممکن نیست، در این مقاله به بررسی زندگانی ملا اسماعیل واعظ سبزواری، از مشاهیر و عاظ عصر ناصری، می پردازیم؛ که شاید بهترین شاخص این طبقه در تمام عصر قاجاریان باشد. تجزیه و تحلیل زندگی اجتماعی و ارتباطات سیاسی و اجتماعی ملا اسماعیل سبزواری از یک طرف، و بررسی تألیفات متعدد این مشهورترین واعظ عصر قاجار از طرف دیگر، می تواند به روشن شدن زمینه فرهنگ عمومی و مذهبی - سیاسی جامعه شیعی ایران در عصر قاجار کمکی شایان کند؛ بویژه که در آثار و تألیفات وی، مطالب غث و سمین بسیار دیده می شود که نشانه طرز تفکر واعظان نامدار و معتبر زمان قاجاریان، و پایین بودن سطح فرهنگ عمومی است.

ملا اسماعیل واعظ

ملا اسماعیل بن علی اصغر سبزواری، در سال ۱۲۱۲ هـ. ق در روستای کوچکی در دو فرسنگی سبزواری، به نام دولت آباد، متولد شد [تهرانی، الذریعة، ج ۲۵، ۲۷۷]، و قریب



شبستان مسجد نیوجیه، پکن، چین



مسجد خاتم الاوصیاء (عج)، تهران

۴. تنبیه المغترین: در احوال شیطان، شامل ۴۶ مجلس
۵. بدایع الاخبار و غرائب الآثار: شامل ۴۷ مجلس
۶. نوادر الآثار: در جنت و نار، شامل ۵۵ مجلس
۷. کتاب الطیور: شامل ۲۶ مجلس
۸. عدد السنة: شامل ۳۰۰ مجلس

چنانکه ملاحظه می شود:

اولاً، همه این تألیفات، به زبان فارسی است.

ثانیاً، همه آنها به صورت «مجلس»؛ یعنی برای مجالس و عظ و خطابه، نوشته شده است.

اینک، نمونه‌ای از مطالب کتاب بدایع الاخبار سبزواری، بیان می شود: «و بعد، این مجلد چهارم است از کتابی مسمی به مجمع النورین که مکنی به خرج الایام است. و در این مجلد، بعضی اخبار غریبه و آثار بدیعه مندرج است... مجلس اول، در ذکر چاه زمزم... مجلس دوم، در احوال سه نفر از اصحاب پیغمبر که اسم ایشان سعد بود».

از طرف دیگر، ارزش کتابهای سبزواری، در این است که نمونه کامل طرز تفکر مذهبی و فرهنگ دینی مردم شهرهای بزرگ ایران از قبیل: اصفهان، تبریز و تهران است؛ زیرا سبزواری در مجالس و عظ و خطابه، مطابق سطح فرهنگ عمومی سخن می راند، و مطالبی می گفت که پسند عوام و معتقد عموم بود.

وفات

ملا اسماعیل سبزواری در روز جمعه ۱۴ جمادی الاول ۱۳۱۲ هـ. ق، در تهران فوت کرد.

بازماندگان و اولاد

ملا اسماعیل واعظ سبزواری، پسری به نام محمدحسین سلطان المحدثین داشت، که از افاضل اهل منبر بود. وی کتاب جامع النورین را که در احوال انسان و از تألیفات پدرش بود، تصحیح کرد و به چاپ رسانید. و هم، او است که شخصاً تاریخ دقیق مرگ پدرش را برای شیخ آقا بزرگ تهرانی، به شرح مذکور در اعلام الشیعة نقل کرد. این نقل قول مستند، اهمیت بسیار

به گفته اعتمادالسلطنه: «بیست سال در اصفهان به تتبع اخبار و نشر فضایل و مناقب ائمه اطهار و ذکر مرثی و مصایب خامس آل عبا - علیه آلاف التحية و الثناء - گذرانید» [اعتمادالسلطنه، مطلع الشمس]. لذا، در سن نسبتاً بالایی، به عتبات عالیات رفت، و به محضر سیدابراهیم قزوینی رسید. صاحب ترجمه، پس از اقامت سه ساله در عتبات، به اصفهان مراجعت کرد. وی در مسیر سفر از عراق به اصفهان، به خواهش محب علی خان ماکویی، یک سال در کرمانشاه ماند و پس از آن به اصفهان باز آمد. در ۱۲۶۱ هـ. ق که ناصرالدین شاه قاجار به اتفاق میرزا محمد تقی خان امیرکبیر به اصفهان رفت، به دعوت امیرکبیر از اصفهان به تهران آمد [اعتمادالسلطنه، مطلع الشمس].

ملا اسماعیل بر اثر جامعیت علمی، طلاق لسان و تبحر در وعظ و خطابه، در تهران بسیار مورد توجه قرار گرفت.

نایب الصدر در طرائق الحقائق نوشته است که وی در آخر عمر، دست ارادت به یکی از صوفیه به نام منور علیشاه داد [نایب الصدر، طرائق الحقایق، جزء ۳، ۲۳۷]. هرچه باشد، ناصرالدین شاه، ملا اسماعیل واعظ سبزواری را به خواهش ملاعلی کنی، از تهران به تبریز تبعید کرد. نوشته اند که سبزواری پس از مرگ ملاعلی کنی، به تهران آمد [تهرانی، اعلام الشیعة].

تألیفات

تألیفات ملا اسماعیل واعظ سبزواری بسیار، و اغلب آنها به چاپ رسیده است؛ از جمله:

۱. مجمع النورین: در احوال بهایم و شامل ۱۰۳ مجلس در احوال حیواناتی می باشد، که در قرآن مجید ذکر شده است. سبزواری آن را در سال ۱۳۰۳ هـ. ق تألیف کرد.
۲. جامع النورین: در احوال انسان، شامل ۴۲ مجلس
۳. احوال ملائکه: شامل ۴۰ مجلس



مسجد ریجنت پارک، لندن، انگلستان



مسجد جامع زاگرب، کرواسی

منتشر و رایگان بین وعظ پخش شد، نوشت: «از آنجا که سالهای متمسکانه بلکه قرون متناوب می گذرد که عده ای از طریق وعظ و سخنوریهای مذهبی، مردم را ارشاد می کنند و این روش تبلیغاتی اثرات زیادی در میان طبقات مختلف مردم دارد و همه کسانی که داعیه سخنوری دینی دارند چنان که باید دارای بضاعت تحصیلی کافی نیستند که بتوانند مراجع مختلف تحقیق را مورد مطالعه خود قرار دهند و با وضع و مقتضیات روز، مردم را به خیر و صلاح دعوت و ارشاد کنند، وزارت فرهنگ و اداره کل اوقاف بر این شدند که برای رفع این نقیصه، چاره ای کنند و منبع مطالعه ای در اختیار سخنوران مذهبی قرار دهند که... کتابی جامع حاوی مطالبی موافق با روح شریعت و مطابق با مصالح و مقتضیات روز فراهم آید، که منبریان بتوانند به آسانی از مطالب آن مستفید گردند» [روستایان، سرمایه سخن، ج ۲، مقدمه].

منابع:

۱. اعتماد السلطنه، محمدحسن، المآثر و الآثار، تهران، چاپ سنگی، بی تا
۲. همو، مطلع الشمس، تهران، چاپ سنگی، ۱۳۰۵ ه. ق
۳. برغانی، محمد تقی، مجالس المتقین، به کتابت عبدالخالق، چاپ سنگی، بی تا
۴. بیان اصفهانی، احمد، خلدبرین، چاپخانه عالی
۵. تهرانی، آقابزرگ، اعلام الشیعة
۶. همو، الذریعة
۷. روستایان، احمد، سرمایه سخن، تهران، ۱۳۳۹ (نشریه شماره ۶ اداره کل اوقاف)
۸. شوشتری، جعفر، فوائدالمشاهد و نتائج المقاصد، گردآوری محمد طالقانی، چاپ سنگی، ۱۳۱۸ ه. ق
۹. صفوت تبریزی، محمدعلی، منابع الحکم، تبریز، چاپ سنگی، ۱۳۴۱ ه. ق
۱۰. قزوینی، صدرا، انیس العبد، چاپ سنگی، قطع خشتی، بی تا
۱۱. نایب الصدر شیرازی، طرائق الحقائق، چاپ محمدجعفر محبوب، تهران، بی تا

دارد؛ زیرا در منابع دیگر همچون: دائرة المعارف الاسلامیة، وفات او را به اشتباه در ۱۳۰۳ ه. ق - نه سال زودتر از واقع - ثبت کرده اند. حال آنکه تاریخ ۱۳۰۳ ه. ق، زمانی است که به گفته اعتمادالسلطنه، صاحب ترجمه در تبریز مشغول تألیف مجمع النورین بود.

نتیجه

بررسی منابع منبری و شرح حال واعظان عصر قاجار، نشان می دهد که عصر قاجار را از نظر تحول وعظ و خطابه، باید به سه دوره متمایز تقسیم کرد:

در دوره نخستین که از عصر قبل از قاجار تا اواخر سلطنت فتحعلی شاه ادامه یافت، از منبر استفاده کافی به عنوان یک رسانه تبلیغاتی یا وسیله ارشاد دینی و فرهنگی نمی شد. اقبال مردم، بیشتر به روضه خوانی و تعزیه داری در تکایا و حسینیه ها بود.

در دوره دوم که از اواخر دوران فتحعلی شاه تا اوایل سلطنت مظفرالدین شاه بود طبقه خاص و تحصیل کرده ای به نام واعظان پیدا شدند که جایگاهی والاتر از روضه خوانان داشتند؛ امثال سیدحسن واعظ شیرازی، جد سادات شیرازی مقیم تهران، در اواخر سلطنت فتحعلی شاه و اوایل سلطنت محمدشاه، و ملا اسماعیل واعظ سبزواری در دوره ناصرالدین شاه. در این دوره، مواعظ اخلاقی و دینی توأم با داستانهای آموزنده و توضیحات ذوقی، محتوای منبر را تشکیل می دادند.

در دوره سوم که با ظهور افکار ضد استبدادی و وحدت اسلامی سید جمال الدین اسدآبادی شروع شد و بعد با مشروطیت به اوج رسید، خطبای زیادی برای حمایت از آزادیخواهی ملت ایران در برابر دولتیان قاجار، از منبر استفاده کردند. از جمله نخبگان این دسته، شیخ رئیس محمدحسن میرزا قاجار، سیدجمال اصفهانی و ملک المتکلمین را باید یاد کرد.

از طرف دیگر، قابل ملاحظه است که تا قبل از مشروطیت، وعظ معروف بر اثر نداشتن آگاهی سیاسی و بعد مردمی، با دولت قاجار احساس تضاد نمی کردند. اما هرچه از مشروطیت می گذرد، منبر به طور فزاینده ای ضد دولتی می شود. از این رو، در عصر پهلوی از یک سو، سانسور منبر شدت گرفت و ممنوع المنبر شدن، تبعید، حبس و شکنجه واعظان زیاد شد و از طرف دیگر، دولت در عصر پهلوی اول با تأسیس مؤسسه وعظ و خطابه، دست به - به اصطلاح - «اصلاحات» در برنامه منبر زد. همچنین، در عصر پهلوی دوم به تمهید و هزینه سازمان اوقاف، از طریق برگزاری مجالس از یک سو، و از طریق نشر کتابها، مجلات و تبلیغات، دولت سعی داشت که وعظ و خطابه را به سود خود هدایت کند.

مدیرکل اوقاف وقت در سال ۱۳۳۹، در مقدمه ای بر جلد دوم کتاب سرمایه سخن که به هزینه سازمان اوقاف